



همه آن چیزهایی که درباره برخورد با کودکان معلول باید بدانید

متفاوت اما مثل ما

زهره صالحی نیا

روزنامه نگار

نگار ۵ ساله، برای اولین بار در عروسی یادختری مواجه شد که کمی از او بزرگ‌تر بود اما روی صندلی چرخداری نشسته بود و نمی‌توانست از دست‌هایش استفاده کند و مادرش به او غذا و میوه می‌داد، نگار تمام طول شب به حرکات و غذا خوردن و تلاش‌های آن دختر برای حرف زدن خیره شده بود، مادر نگار سخت‌ترین شب عمرش را سپری می‌کرد، سوال‌های پی‌درپی و اشاره کردن‌های او باعث شده بود که توجه مادر و دختر به آنها جلب شود و مادر نگار از این شرایط خجالت زده بود. احساس نگار آمیخته‌ای از ترس و کنجکاوی نسبت به دخترک روی ویلچر بود، نگار تا ماه‌ها به آن دخترک فکر می‌کرد. ولی به نتیجه‌ای نمی‌رسید. چنین اتفاقی با کمی تفاوت در اسامی یا موقعیت احتمالا برای خیلی از کودکان پیش آمده است. اما نکته اینجاست که والدین خودشان را برای پاسخ دادن به چنین سوالی آماده نکرده‌اند. سوال حساسی که جواب دادن به آن در زندگی چند نفر تأثیرگذار است: کودک پرسشگر، فرد معلول و خانواده‌اش.

استفاده از فرصت‌ها

وقتی کودکی در محیطی عمومی به شخصی معلول اشاره می‌کند و با صدای بلند از پدر و مادر خود سوالی درباره آن شخص می‌پرسد، والدین خود را در موقعیت حساس و ناخوشایندی قرار می‌دهد، مثلا حسین چهارساله از مادرش در اتوبوس با صدای بلند می‌پرسد: «مامان چرا اون آقا پا نداره؟»

درك تفاوت‌ها

اولین قدم برای والدین، آموزش این مساله به کودکان است که انسان‌ها متفاوت هستند، این تفاوت از ظاهری‌ترین مشخصه يك انسان مانند رنگ پوست اوست تا نظرات و سلايق، دانستن و پذیرش این اصل مهم، از سال‌های نخستین کودکی آغاز می‌شود. دیدن، آشنایی، گفت‌وگوی درباره تفاوت‌های ظاهری و تفاوت‌های سبک زندگی با کودک می‌تواند در این مسیر کمک‌کننده باشد.

سفر کردن به اقلیم‌های مختلف و توجه دادن کودک به مدل‌های مختلف پوشش و خوراک حتی رنگ پوست و مدل چهره باعث می‌شود پذیرش کودک برای تفاوت‌ها بالاتر رود. در میان کتاب‌های کودکان، منابعی که درباره انواع نژادها و مدل‌های زندگی در دنیا نوشته

شده می‌تواند جهان‌بینی کودک را غنی‌تر کند. در واقع هرچه تجربیات کودک غنی‌تر و گسترده‌تر باشد، تحمل و پذیرش او برای تفاوت‌های انسانی بیشتر و توضیح درباره معلولیت برای او ساده‌تر می‌شود. اگر در خانواده، فرهنگ پذیرش و شناخت تفاوت‌ها را تقویت کنید، مدیریت این موقعیت‌ها ساده‌تر می‌شود. معلولیت بخش طبیعی از زندگی است. وقتی کودکی سوال می‌پرسد، پاسخ صریح و روشن به او کمک می‌کند تا بهتر درک کند که معلولیت بخشی از تنوع انسانی است. اگر مانع از سوال کردن کودک شویم، در واقع این پیام را به او می‌دهیم که معلولیت به نوعی اشتباه است یا تابو است.

پیدا کردن شباهت‌ها

در مواجهه کودکان با فرد معلول، والدین می‌توانند توجه کودک را به شباهت‌ها معطوف کنند، این راه برای والدینی که فرزند معلول نیز دارند کارایی دارد، برای ایجاد حس نزدیکی میان فرزندان پیدا کردن شباهت‌های ظاهری یا صفات درونی و توانمندی‌های مشترک و گاهی توانمندی‌های برتر نسبت به فرد بدون معلولیت، می‌تواند باعث شود راهی برای ارتباط و علاقه‌مندی میان کودکان شکل بگیرد.

تشویق کودکان برای ارتباط و دوست شدن با کودکان معلول و دارای نیازهای ویژه یکی از راه‌های پذیرش و ارتباط است علاوه بر این که حضور این افراد را در جامعه آسان‌تر می‌کند، کودکان، بزرگسالانی هستند که فردای جامعه را می‌سازند، هرطور که امروز زندگی کنند، آینده را نقش خواهند زد، پذیرفتن افراد با نیازهای ویژه و معلولان، آنطور که هستند در میان خود، یعنی هموار کردن راه حضور و کار و تحصیل و زندگی با این افراد در جامعه، غیبت این افراد در جامعه علاوه بر نامناسب بودن بستر فیزیکی، ناامن بودن شرایط از نظر روانی نیز هست، عدم پذیرش تفاوت‌ها و عدم اعتماد به توانایی معلولان و افراد با نیازهای ویژه باعث شده که هرچه بیشتر به کنج عزلت رفته و در جامعه حضور محسوسی نداشته باشند.

انتخاب درست کلمات

کلمات و نام‌ها به همراه خود باری دارند، فلج، دیوانه، عقب افتاده و کلماتی از این دست در ذهن کودک با باری از ناهنجاری ذخیره می‌شود، علاوه بر این که مدل گفتن و توصیف کردن فرد معلول نیز در ذهن کودک و بخش ذخیره سازی خاطراتش همراه با باری است که می‌تواند سال‌ها همراه او باشد و نگاهش را نسبت به این افراد شکل دهد، استفاده از توصیفات دقیق، بدون ترجمه و توهین با کلماتی مناسب و محترمانه، فرهنگ و مدل نگاه سالمی را برای کودک به ارمغان می‌آورد. استفاده از معلول برای فرد دارای معلولیت اشکالی ندارد اما دسته‌بندی کردن با عنوان

